

میزان گرایش دانشجویان به باورهای خرافی

(مطالعه موردی دانشگاه پیام نور مرکز همدان)

حمید رضا مرادی رستگار^۱، مرضیه جباری والا^۲، اژدر شمخانی^۳، امیرحسین ظهیری برازنده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۹

چکیده:

هدف این پژوهش سنجش میزان باور دانشجویان نسبت به عقاید خرافی رایج بوده که از نظر روش تحقیق توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه پیام نور واحد همدان در سال ۹۴-۹۵ را شامل می گردد؛ گروه نمونه پژوهش ۱۲۰ دانشجو (۵۳ پسر و ۶۷ دختر)، شاغل به تحصیل در سال تحصیل ۹۴-۹۵ از دانشگاه پیام نور واحد نهاوند بوده که به شیوه تصادفی طبقه‌ای نسبی از دانشکده‌های مختلف انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و به کمک نرم افزار SPSS انجام گردید. برای کسب اطلاعات درباره دیدگاه‌ها، باورها، و نظرات جامعه آماری پرسشنامه محقق ساخته با ۵۸ گویه تنظیم و در سطح جامعه آماری توزیع و داده‌های لازم جمع آوری شده است. نتایج این پژوهش دلالت بر این دارد که درصد بسیار کمی از دانشجویان به خرافات گرایش دارند. بین تحصیلات دانشجو با گرایش به خرافات رابطه معناداری وجود دارد. به علاوه، میزان گرایش به خرافات در دانشجویان زن بیش از دانشجویان مرد است و این مسأله ارتباط معناداری به میزان تحصیلات دانشجویان زن ندارد.

واژگان کلیدی: باورهای خرافی، دانشجویان، میزان تحصیلات، جنسیت.

۱- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز (نویسنده مسؤل) rastegarm31@gmail.com

۲- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

۳- کارشناس ارشد علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی

۴- کارشناسی علوم انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین.

مقدمه

خرافات به سخنان پریشان و نامربوطی گفته می‌شود که خوشایند باشند. خرافه نام مردی از قبیله عذره بود که ادعای ارتباط و مراوده با جن و پری داشت و مطالبی را از زبان‌ها بیان می‌کرد (افشار: ۱۳۹۳)، (و لغت نامه دهخدا، ذیل «خرافات») در فرهنگ لغت مریام وبستر، خرافات انواع گسترده‌ای از باورها و رفتارهاست که بر مبنای خاصیت استقرار برخی فرایندهای نادرست علت و معلولی ناشی از جهل، ترس از ناشناخته‌ها، اعتماد به سحر و جادو یا شانس یا برداشتی نادرست به وقوع می‌پیوندد (فوستر و کاکو^۱: ۲۰۰۹). با رشد روزافزون علوم جدید، باورهای خرافی که ناشی از عدم شناخت درست وقایع و رخدادها بود، رو به افول رفته و پیشرفت علم، آن دسته از یافته‌های ابتدایی را که با واقعیت عینی همخوانی نداشته کنار نهاده است. از طرفی، نوگرایی و مدرنیته باعث کاهش گرایش به خرافات گردیده است. نو شدن جامعه از جنبه‌های گوناگون، دگرگونی و تغییر اندیشه‌های آن جامعه را در پی داشته است. اندیشه‌هایی که «محکوم به جمود فکری، فاقد روحیه سودمندانه، اسیر سرنوشت، هراسان از نوآوری، بی‌اعتماد و ناآشنا به جهان خارج و به شدت وابسته به اقتدار سنتی است» (اینکلس^۲: ۱۹۶۹). اما از آنجا که علم قدرت بالایی در پی بینی بسیاری از وقایع را ندارد و آدمی همواره نگران آینده است، مجدداً خرافات به میان می‌آیند. همچنین، اضطراب‌ها و نگرانی‌های ناشی از ضعف آدمی در برابر بسیاری از حوادث، او را به سوی پذیرفتن باورهای خرافی هدایت می‌کند. این گروه از باورها و اعمال

1-Foster, Kevin R. & Hanna, Kakka

2-Inkeles

خرافی دست کم راه حل‌هایی محتمل برای رهایی از رنج‌ها و مشقاتی در اختیار قرار می‌دهند که با وسایل کنونی نمی‌توان از آنان رهایی یافت.

با آنکه غیرمنطقی بودن، جاهلانه بودن، خیالی بودن و هیجان‌انگیز بودن ویژگی اساسی مشترک بیشتر باورهاست، از این نکته نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که باورها تأثیر غیرقابل انکاری بر رفتار انسان‌ها دارند. پیشرفت دانش بشر تأثیر مهمی بر محور بسیاری از باورها از صحنه زندگی داشته است (صرفی: ۱۳۹۱: ۳۹۸)، برخلاف یادگیری مبتنی بر روابط علی، خرافات به‌عنوان فرایندی ناسازگار با فرایند یادگیری منطقی، بر پایه دو خطا استوار است؛ خطای عدم بهره‌برداری از روابط علت و معلولی و خطا در تلاش برای بهره‌برداری از روابط علت و معلولی که در واقعیت به اثبات نرسیده- اند (آبوت و شرآت: ۲۰۱۱).

از دیدگاه یونگ و فروید، خرافات مسأله‌ای مربوط به گذشته و یا محدود به طبقات کم‌سواد نبوده، بر عکس بخش جدایی‌ناپذیر از ساحت ذهنی همه آدمیان است (صالحی امیری: ۱۳۸۷: ۱۴۵). به همین دلیل است که مدرن بودن و میزان سواد افراد به معنای رهایی از بند خرافات نیست. از اینرو برای جامعه پیمایشی پژوهش پیش‌رو نیز صرف دانشجو بودن نمی‌تواند قالب‌های روحی خرافه‌پذیری را نفی کند. البته، دلیل این مسأله نیز گفتمان غالب جامعه است که جهالت بر عقلانیت غلبه دارد.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد و باید به‌عنوان مسأله مهم در تبیین خرافات در نظر داشت از این است که خرافات امری نسبی و نه مطلق است به عبارتی ممکن است از دیدگاه مردمی در زمان و مکان خاص، امری خرافی تلقی شود و همان امر در میان مردمان دیگر یا در زمان و مکان دیگر منطقی و قابل پذیرش و غیر قابل رد باشد. به عنوان مثال «سوئدی‌ها معتقدند پیدا شدن هدهد نشانه درگیری و جنگ است»

(وارینگ: ۱۳۷۱: ۱۵۵ باتصرف). در حالی که این باور در جامعه ایران چنین معنایی ندارد.

از جمله آسیب‌های خرافه بر جامعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که با وجود آن‌ها اهمیت پژوهش حاضر را می‌رساند:

خرافات، آفت دین: دین استوارترین ستون حیات مادی و معنوی انسان است که به او عزت و شرافت می‌بخشد و او را از اسارت‌ها و تعلقات و وابستگی‌های نفسانی و حیوانی آزاد می‌سازد. دین، امری قدسی و الهی است که در آن خطا و اشتباه و آسیب و آفت راه ندارد. خطاپذیری و اشتباه‌کاری مربوط به امور بشری است و آسیب و آفت در بحث آسیب‌شناسی دین و دینداری به حقیقت دین باز نمی‌گردد، بلکه به نحوه رویکرد مردمان به دین و فهم و تلقی انسان از دین و نوع معرفت دینی و شیوه دینداری باز می‌گردد. وارد کردن خرافات و بدعت‌ها در دین، نمایش چهره ای موهوم و خیالی و غیر واقعی از دین و... از آفات و آسیب‌های بسیار خطرناک ابقاء و گسترش و توسعه دین در جوامع بشری است. آمیخته شدن آموزه‌های اصیل دینی با خرافات، بدعت‌ها و مسائل خارج از دایره دین و عقل، سبب ایجاد تصویر غیرواقعی و غیرقابل قبول از دین خواهد شد که نتیجه‌اش طردشدن دین است.

تهاجم فرهنگی و ترویج خرافات: از ابزارهای مهم دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی ایران، تهاجم فرهنگی علیه باورها، اعتقادات و مقدسات است. این تهاجم گسترده در قالب توهین به قرآن و اسلام و پیام‌آور آن، تحقیر دستورات اسلامی و بزرگان جهان اسلام، رواج ابتدال، بی‌بند و باری، سرگرم شدن به بازی‌ها و لذات دنیایی، ترویج عقاید خرافی، فرقه‌های انحرافی و... می‌باشد. این تهاجم با ابزارهای گوناگونی چون کتاب، روزنامه و نشریات، فیلم، سخنرانی و کاریکاتور انجام می‌گیرد و با توجه به رسانه‌های وسیع و فراگیری که دشمنان در اختیار دارند، هجومی سازمان یافته و همه

جانبه را بر ضد اسلام و مسلمانان انجام می‌دهند. غرب در این برنامه‌ها می‌کوشد اسلام را دینی تروریستی و تروریست پرور، خشونت طلب، مخالف آزادی، استبدادخواه، خرافی و بی‌منطق معرفی کند تا در سایه این اتهامات ناحق به اهداف شوم خود دست یابد (مختاری پور: ۱۳۹۲).

به دلیل حجم گسترده باورهای موهوم و غیرعقلانی موجود در فرهنگ کنونی از یک سو و تقابل علم و پیشرفت سطح دانش با باور به چنین عقایدی از دیگر سو، بررسی میزان این پدیده در میان دانشجویان به عنوان نمایندگان و سفیران دانش، لازم می‌نماید.

معنی لغوی و اصطلاحی خرافه چیست؟ خرافه واژه‌ای عربی است و ریشه آن «خرف» به معنی «چیدن میوه» است. خرفه با ضم حرف خ، به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌های فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. در واژه‌نامه‌ها در تعریف کلمه "خرافات" آمده است: «اعتقادات بی‌اساس که با عقل و منطق و واقعیت سازگاری نداشته باشد». خرافه پرستی نیز عبارت است از پیروی از عقاید باطل و بی‌اساس که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است، هیچ تناسبی نداشته باشد. همچنین از خرافات در کتب مختلف به حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه (عمید، ۱۳۶۵: ۱۰۰۱). سخن موهوم و افسانه‌ای، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی بشر، هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس (فرهنگ آکسفورد) نیز یاد می‌شود (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

در مقابل این تعاریف، نویسنده کتاب «فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی» در مورد ریشه عربی این کلمه موافق نظرات پیشین نبوده و معتقد است: «ریشه اصلی این واژه فارسی می‌باشد و سپس به زبان عربی رفته است». وی می‌نویسد: «این کلمه از خرفت در فارسی گرفته شده است و در عربی مصدر و فعل از آن ساخته‌اند. این واژه

به معنی افسانه در فارسی نیز رایج شده و واژه خرفت در همه جای ایران به معنی گیج و نفهم به کار می‌رود. در خوزستان این واژه را خَرَف تلفظ می‌کنند و «خَرَف خانه» دخمه‌هایی را گویند که از زمان زرتشتی‌گری در بدنه کوه هاباقی مانده هر یک مقبره خانوادگی یک خانواده بوده است. در میان عامیان شوشتر، این افسانه رواج دارد که در دوران باستان، طول زندگی انسان‌ها دراز بود و پیران از سالخوردگی، گیج و نفهم می‌شدند و فرزندان‌شان از آنان به ستوه می‌آمدند. از این رو آنان را با توشه و آب در این اطاقک‌ها می‌نهادند تا بقیه عمر را در آنجا بگذرانند (امام شوشتری، ۱۳۴۷: ۱۹۹).

خرافات نگرش یا رفتاری است که بر اساس ترس، تهدید، عادت و عوامل ناشناخته‌ای به ذهن فرد خطور می‌کند تا بر اساس نگرشش از اتفاقات ناخوشایند جلوگیری کند. این رفتار بر مبنای کنش منطقی و روابط علت و معلولی است. (افشار و شمس الدینی: ۱۳۹۳) پاسخ آحاد انسان‌ها چپستی خرافه بر اساس گرایش دینی، سطح سواد و نوع فرهنگ و برخی از جزئیات دیگر متفاوت خواهد بود؛ هیچ تعریفی نمی‌توان برای این مفهوم یافت که مورد وفاق تمام مردم، با ادیان و فرهنگ‌های متفاوت باشد (علوی نژاد: ۱۳۹۱: ۴ با تصرف). تعاریف متعدد و متنوعی از مفهوم واژه خرافات ارائه شده است که در ادامه چند تعریف آورده می‌شود.

در «دانشنامه جهان اسلام» در تعریف خرافات چنین آمده است: خبر یا تبیینی که در صحت آن تردیدهای بسیار هست و غالباً نمی‌توان آن را به مقتضای قوانین ساخته شده طبیعت یا بر حسب مقایسه با دیگر اخبار مقبول، پذیرفت. حکمتی عامیانه که منشأ و مبنای آن مشخص یا دست یافتنی نیست، ولی عوام آن را پذیرفته‌اند.

باورها و رفتارهای عامیانه‌ای که نسل به نسل منتقل شده و جزو عناصر هویت سنتی کسانی درآمده است که توان توجیه و معقول سازی آن‌ها را در برابر نگاه پرسشگر و انتقاد آمیز ناظران بیرونی ندارند.

بخشی از باورها و رفتارهای تثبیت شده در شیوه دین ورزی عامیانه مردم که نه ریشه در آموزه‌های دست اول و اصیل دینی ایشان دارد و نه علما و نخبگان دینی آن را قبول دارند (موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴۰)

در نگاه کلی و جامع‌تر، باورها و تصورات موهوم و خرافی مانعی بر سر راه پیشرفت همه جانبه یک جامعه به شمار می‌رود و تنها راه حل پیشرفت علم و تحقیقات و فناوری، اندیشه صحیح و پرورندگان آن در تک تک افراد است. طبقه بندی و تقسیم‌بندی‌های متنوعی از خرافات وجود دارد که به مهم‌ترین آن اشاره می‌شود.

در یک مدل تقسیم‌بندی، خرافه را می‌توان در سه دسته جای داد:

۱- خرافاتی که جنبه فردی و عوام پسندانه دارند. این گونه خرافات، عقاید واهی را دربر می‌گیرد که افراد یا اقلیت‌های خاص در یک جامعه به آن معتقد هستند و زیان رفتارهای ناهنجار آن ضمن آنکه به طور مستقیم به خود اشخاص خرافه پرست می‌رسد، به طور غیرمستقیم نیز متوجه اجتماع آنها می‌شود.

۲- خرافاتی که جنبه اجتماعی و سیاسی دارند. مقصود از خرافات اجتماعی، افکار موهوم و علایق و احساسات غیرمنطقی است که اکثریت جامعه به آن معتقد و پابند می‌شوند و گاه آن گونه از آنها هواداری می‌کنند که برای حفظ و بقای شان حاضرند جان و مال خویش را فدا کنند. زیان این گونه پندارها که اغلب به صورت آرمان‌های ملی یا شبه دینی جلوه‌گر می‌شود، عمومی است. بت پرستی و مکتب‌های الحادیا از این گونه است.

۳- خرافات سیاسی نیز شامل اندیشه‌های عوام‌فریبانه‌ای است که گروه‌های افراطی یا احزاب خاص و سیاست‌مداران خودخواه و قدرت‌طلب برای ارضاء حس برتری طلبی خویش از آن سود می‌جویند. آنها با تحریک عواطف به ظاهر مقدس اقوام و فرقه‌ها، نظیر دفاع از ملیت، آب و خاک و یا با توجیه فرضیه‌های شبه علمی (برتری بیولوژیکی نژادها) مقاصد توسعه‌طلبانه خود را محقق می‌سازند (پاکدامن: ۱۳۷۸: ۴۴).

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، این تعاریف دارای نقطه مشترکی است: در این تعاریف، خرافات حداقل به‌عنوان اموری غیرعقلانی تعبیر شده است. اما صالحی امیری و همکارانش مطابق با سه نوع فهم (فهم عرفی، فهم دینی و فهم علمی) به تعریف خرافه به شکل زیر پرداختند:

۱. مطابق با فهم عرفی و عقلانیت عصری، خرافه باورهایی است که با عقلانیت دوره و زمانه سازگار نباشد و فهم عرفی آن را خرافه بپندارد.
 ۲. مطابق با فهم دینی، خرافات باورهایی است که با متن دین و تفسیر مؤمنان از دین، سازگار نباشد و جمع مؤمنان و معتقدان، آن را خرافه تلقی کنند.
 ۳. مطابق با فهم علمی، خرافات، باورهایی است که با شیوه و متد علمی سازگار نباشد و جمع عالمان آن را خرافه تلقی کنند (جانعلی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۳).
- فرانسیس بیکن، به عنوان یکی از نظریه‌پردازان این حوزه، معتقد است خرافه، تعصب دینی یا دین تحریف شده یکی از انواع بتها می‌باشد که مانع شناخت صحیح انسان از واقعیت است. وی منشأ خرافات را عمدتاً منافع روحانیون میدانند که به‌عنوان طبقه‌ای اجتماعی در مقابل دیگر طبقات قرار می‌گیرند. از نظر وی، خرافات تهدیدی برای معرفت‌های انسانی است. وی با ۱۱۳ طرح این مباحث تلاش می‌کرد تا انسان را از عناصر ذهنی و عوامل اجتماعی که مانع ادراک صحیح او از طبیعت می‌گردد، آگاه سازد (جانعلی‌زاده و همکاران: ۱۳۸۸: ۱۱۳).

مارکس نیز در برخی از نوشته‌های نخستین خود درصدد برآمد تا میان افکار و ساختارهای اجتماعی عینی که زمینه پیدایش این افکارند، نوعی همبستگی برقرار کند. وی پس از اثبات این همبستگی تلاش کرد تا روش‌هایی را به تحلیل کشد که نظام‌های عقاید از طریق آنها با پایگاه‌های اجتماعی به‌ویژه طبقاتی هواداران این عقاید وابستگی پیدا کند. به بیانی دیگر، کوشید تا نسبی بودن عقاید را اثبات کند (کوزر: ۱۳۷۳: ۸۷). در ارتباط با دورکیم می‌توان گفت که جامعه‌شناسی معرفت وی با جامعه‌شناسی دین وی پیوند نزدیکی دارد. او در جامعه‌شناسی دین تلاش کرد تا نشان دهد که ریشه تعهدات دینی انسان را می‌توان در تعهدات اجتماعی او پیدا کرد (کوزر: ۱۳۷۳: ۲۰۰). دورکیم بر آن است تا منشأهای مقولات اساسی معرفت را در تجربه اجتماعی پیدا کند. با توجه به آثار دورکیم می‌توان گفت که از نظر وی اوضاع و احوال مادی و تجربه افراد در شکل‌گیری معرفت آنها نقش اساسی دارد. وی خاطر نشان می‌سازد که مقولات تفکر در ساخت و روابط گروهی شکل می‌گیرد و با تغییر سازمان اجتماعی تغییر می‌کند. تجربه‌های مهم از طریق روابط اجتماعی فراهم می‌شوند و بر تفکر و معرفت اثر می‌گذارند. بنابراین وی در مطالعات خود در باب صور ابتدایی تفکر، از مراسم دوره‌های فعالیت‌های اجتماعی (مانند جشن‌ها، مراسم و شعائر)، ساخت قبیله‌ای و اشکال فضایی گروه‌های گروهمایی گروهی به‌عنوان بنیان‌های وجودی تفکر بحث می‌کند. بنابراین نظر، فرآورده‌های ذهنی ریشه در سازمان‌های گروهی دارند و به تعبیری، مقولات تفکر به صور معین سازمان گروهی متصلاند. مثلاً جوامعی در استرالیا و آمریکای شمالی بودند که مردم آنها، فضا را به شکل دایره‌ای بیکران تصور می‌کردند چون اردوگاهشان به شکل دایره بود (جانعلی‌زاده و دیگران: ۱۳۸۸: ۱۱۳).

رویکردهای جامعه‌شناسی در خصوص اهمیت خرافه از نظر پایگاه طبقاتی اقتصادی، اجتماعی و رویکردهای روانشناسی به تبیین مسئله خرافه می‌پردازد:

پیتر ورسلی اعتقاد خرافی گروه‌های اجتماعی را در ارتباط با زمینه اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بررسی می‌کند. به نظر وی، این پدیده‌ها که ارمغان اروپاییان است، ناشی از تغییرات سریع اجتماعی بوده و سکنه بومی را از مسیر عادی زندگی خود منحرف ساخته است. لذا ارزش‌ها و باورهای دیرین آنها به گونه‌ای متزلزل شد و هدف‌های جدیدی به‌ویژه در ارتباط با یک زندگی مادی غنی‌تر به آن‌ها عرضه گردید؛ اما نبود امکانات لازم برای رسیدن به اهداف تازه، آن‌ها را به مسیر تخیلی انداخت. پایگاه اجتماعی - اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص دارند. صرف نظر از نام‌های گوناگون، همچون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی - که به پایگاه اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود - این مفهوم یا سازه یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها، عقاید افراد و موقعیت‌های آن‌ها در سلسله مراتب اجتماعی است. در واقع، طبقات اجتماعی که در حل مشکلات خود، ناتوان‌تر و از لحاظ سطح بینش اجتماعی در سطح پایین‌تری هستند، به احتمال بیشتری این باورها را باز تولید می‌کنند (افشار: ۱۳۹۳).

به باور اسکینر، رفتار خرافی تحت تأثیر این احتمال است که نتیجه مفید زمانی رخ می‌دهد که هیچ رابطه علی بین عمل و نتیجه وجود نداشته باشد (آبوت و شرآت^۱: ۲۰۱۱: ۸۵) عواملی در روان‌شناسی وجود دارند که دلیل گرایش به خرافه پرستی را توجیه می‌کنند. در زیر برخی از این موارد ذکر می‌شود:

مکانیسم‌های فرافکنی

۱- فرافکنی نوعی برون‌سازی فرایندهای ذهنی است که فرد طی آن خواسته‌ها و انگیزه‌های ناپذیرفتنی‌ای را که بازشناخت آن‌ها ممکن است نوعی احساس نامطلوب برایش ایجاد کند، به دیگران نسبت می‌دهد. این واکنش جبرانی و دفاعی انسان است

تا به طور ناخودآگاه، عزت نفس خود را حفظ کند. ترکیبات و عباراتی چون « چرخ کج مدار»، « ملک کج رفتار»، « بختم بسته شده»، و « بختم برگشته» مرتب بر زبان برخی افراد می‌چرخد و علت شکست‌ها و ناکامی‌هایشان تبقی می‌شود. در حالی که این افراد هیچ‌گاه به فکر یافتن علت اصلی و جبران شکست خود نیستند (شعبی، ۱۳۹۲: ۲۱).

۲- تقویت رفتارها: اسکینر از جمله نظریه پردازانی است که اساس نظریه خود را بر اصل تقویت رفتار بنا نهاده است. وی معتقد است هرگاه بین پاسخ و ظهور یک تقویت کننده پیوندی تصادفی وجود داشته باشد، رفتار حاصل را رفتاری خرافی می‌نامیم (شعبی، ۱۳۹۰: ۱۹). به اعتقاد اسکینر، رفتار یا عقیده زمانی در فرد ایجاد می‌شود که فرد به طور مکرر یک حادثه یا تجربه را ناشی از شانس بداند و به طور عینی آن را تجربه کند. در این صورت این تجربه منتهی به اعتقاد به آن پدیده می‌شود؛ حتی اگر هیچ رابطه علت و معلولی بین آن‌ها نباشد (به نقل از: فوستر و کاکو، ۲۰۰۹: ۳۱؛ آبوت و شرآت، ۲۰۱۱: ۸۵).

تحقیقات انجام شده نیز به چند مورد اشاره می‌شود:

افشار و دیگران در سال ۱۳۹۳ پژوهشی با عنوان ریشه‌های خرافات و کارکرد آن‌ها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان) انجام دادند. در این پژوهش آنان به این نتیجه رسیدند که همسانی، عمومیت و پایداری اعتقاد به باورهای خرافی این فرضیه را توجیه می‌کند که خرافات نماینده مرحله ابتدایی و خام‌تر ذهن انسانی است که همه افراد در راه رسیدن به دین و علم از آن گذشته‌اند یا می‌گذرند. در این مقاله بستر پدیداری خرافات با دو رویکرد جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بررسی و تحلیل شده است. در بعد جامعه‌شناسی نفوذ اندیشه زروانی و در فرهنگ دینی ایرانیان،

گسترش تفکر اشعری، کنش‌های افراد (عقلانی و غیرعقلانی)، پایگاه طبقاتی و اقتصادی از ریشه‌های پیدایی خرافات شناخته شده است. کارکرد اجتماعی خرافه رویا و توهم را در جامعه رواج می‌دهد، جامعه را از کار و تلاش و توسعه باز می‌دارد، تن پروری و بیهوده‌گری را در مغز و روح تزریق می‌کند و در نهایت نوعی انفعال و بی‌حرکتی را موجب می‌شود. در رویکرد روان‌شناسی مکانیسم‌های فرافکنی، تقویت رفتارها و نظریه هم‌شکلی اجتماعی به عنوان زمینه‌های ظهور و توسعه خرافات بررسی شده‌اند. در پایان با بررسی علل گرایش به خرافات، توضیح داده شد که بشر در انجام امور روزمره خویش با پیروی از خرافات و انتساب دلیل وقوع رخدادها به امور موهوم و ماوراء طبیعی برای جلب منفعت و دفع مضرات، به باورهایی معتقد است که تحقق آن‌ها از هرگونه رابطه علت و معلولی به دور است.

دانشجویان، عقلانیت و گرایش به خرافات؛ کوششی در راستای رواسازی و پایایی سنجی یک ابزار نوشته مسعود حسین چاری و فاطمه مهدی زاده. این مقاله به سال ۱۳۹۱ در کنفرانس ویژگی‌های ملی ۵ گانه تحول در شخصیت ایرانیان و پیشرفت ایران ارائه شده است.

در مقاله «کاوش جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان» حیدر جانعلی‌زاده، علی بابازاده‌بائی و خانم سمانه ابراهیمی (۱۳۸۸) به بررسی جامعه‌شناختی وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل پرداختند خود قرار داده است. آن‌ها با استفاده از سه متغیر میزان دینداری، جنس و میزان تحصیلات و مهم‌تر بودن متغیر میزان دینداری از جهت اثربخشی بر میزان خرافه‌گرایی این دانشجویان در مقایسه با دو متغیر دیگر از جمله یافته‌های مهم این مطالعه بوده است.

ضرورت خرافه پژوهی نه فقط از ناحیه متعارض بودنش با فرایند توسعه است، بلکه به جهت آثار منفی متعددی است که از ناحیه گرایش به چنین باورهایی در تمام شئون زندگی ظاهر می شود. همچنین «حجم و گستره خرافات نشان دهنده و شاخص مهمی برای شناخت انحطاط فرهنگی است. گسترش خرافه، نه تنها نشان دهنده فرهنگ عقیم در مواجهه با مسئله‌های هستی شناسی - جهان شناسی و روبرو شدن با مسائل زندگی است، بلکه خرافات به نوبه خود، علم اندیشی و باورهای عقلانی را با چالش روبرو می کند» (صالحی امیری: ۱۳۸۷: ۲۸).

تحقیقات صورت گرفته به مرور زمان تخصصی تر و جزئی تر شده و از بعد نظریه پردازی صرف به بعد عملی و سنجش میدانی راه یافته است به ویژه پژوهش‌های جدید در حالی صورت می گیرد که دانش و فناوری روزه به روز پیشرفته تر شده و عموم جامعه از سطح آگاهی بالاتری نسبت به گذشته برخوردار گشته اند. این پژوهش نیز از آن جهت که قشر تحصیل کرده و آگاه را هدف قرار داده حائز اهمیت است. از طرفی، تحقیقی که قشر دانشجو را از این زاویه در شهر همدان مورد کنکاش قرار داده باشد، تاکنون انجام نگرفته است. این پژوهش، هر چند مختصر در سطح دانشجویان دریچه‌ای برای دیگر پژوهش‌ها در سطح شهر و یا استان همدان و یافتن میزان نفوذ باورهای خرافی در میان عموم مردم بوده که در نتیجه آن، برنامه ریزی‌های مسئولین سیاسی و فرهنگی استان به سمت بارور کردن گرایشات صحیح فکری و عملکرد منطقی مردم به دنبال دارد.

اهداف تحقیق

آیا بین میزان تحصیلات دانشجویان و اعتقاد به باورهای خرافی رابطه وجود دارد؟

آیا بین جنسیت دانشجویان و میزان اعتقاد به خرافات رابطه وجود دارد؟

فرضیات تحقیق

بین میزان تحصیلات دانشجویان و اعتقاد به باورهای خرافی رابطه معنا دار وجود دارد.
 بین جنسیت دانشجویان و میزان اعتقاد به خرافات رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است. داده‌های آن از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد و برای بررسی میزان پایایی مقیاس خرافه‌گرایی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آن در جریان یک تحقیق مقدماتی مورد ارزیابی قرارگرفت و در پرسشنامه نهایی آلفای این مقیاس بسیار بالا به دست آمد بالاتر از (۸۰/۰). جامعه آماری تحقیق شامل دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال اول سال ۹۵-۹۴ در دانشگاه پیام‌نور واحد نهاوند است. گروه نمونه پژوهش ۱۲۰ دانشجو (۵۳ پسر و ۶۷ دختر)، که با استفاده از جدول مورگان مقدار آن به دست آمده و به شیوه تصادفی طبقه‌ای نسبی از دانشکده‌های مختلف انتخاب شده و به پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره و به کمک نرم افزار SPSS ۲۱ انجام گردید.

برای سنجش میزان گرایش دانشجویان به خرافات پرسشنامه‌ای حاوی رایج‌ترین خرافات موجود به پاسخ دهنده داده شده و از وی خواسته شد بر اساس طیف لیکرت مشخص کند به نظر وی قطعاً واقعیت دارد، شاید واقعیت داشته باشد و یا قطعاً واقعیت ندارد (باورها).

سؤالات پرسشنامه شامل سه دسته ده تایی می‌باشند و امتیازاتی که به هر سه بخش تعلق گرفت، بدین شرح است:

در قسمت اول سؤالات: کسانی که جواب نداده بودند به آنان امتیاز ۰ کسانی که گفته بودند قطعاً واقعیت ندارد امتیاز ۱ کسانی که گفته بودند شاید واقعیت داشته باشد عدد ۲ و کسانی که گفته بودند قطعاً واقعیت دارد عدد ۳ به آنان اختصاص داده شد.

در بخش دوم سؤالات: به کسانی که جواب نداده بودند امتیاز ۰، به کسانی که گفته بودند توانایی آنها منطبق با واقعیت نیست عدد، به گزینه شاید توانایی آنها منطبق با واقعیت باشد عدد ۲ و گزینه توانایی آنها منطبق با واقعیت است امتیاز ۳ داده شد. بخش آخر سوالات شامل ۵۸ سوال است. در این دسته پرسش‌ها نیز به کسانی که پاسخ نداده بودند عدد ۰، کسانی که گفته بودند قطعاً واقعیت ندارد عدد ۱، کسانی که گفته بودند شاید واقعیت داشته باشد عدد ۲ و گزینه قطعاً واقعیت دارد عدد ۳ تعلق گرفت.

بخش اول سؤالات

جدول فراوانی				میانگین	
قطعاً واقعیت دارد	شاید داشته باشد	قطعاً واقعیت ندارد	Mean rank	خرافه مورد سنجش	ردیف
۰	۱۵/۸	۷۰/۸	۱/۱۸	اویزان کردن نمک برای حفاظت از خود	۱
۲/۵	۳۷/۵	۴۵/۸	۱/۵۰	گره زدن سبزه برای برآورده شدن آرزوها	۲
۰/۵	۴۰/۸	۳۸/۳	۱/۸۴	شکستن تخم مرغ برای جلوگیری از چشم زخم	۳
۱۸/۳	۳۹/۲	۲۳/۳	۱/۹۴	آب ریختن پشت سر مسافر برای سالم برگشتن او	۴
۴/۲	۲۶/۷	۵۳/۳	۱/۴۲	اویزان کردن مهره مار برای جلوگیری از چشم زخم	۵
۲۳/۳	۳۸/۳	۲۷/۵	۱/۹۵	صبر در هنگام عطسه برای رفع خطر احتمالی	۶
۸/۳	۲۰	۵۸/۳	۱/۴۲	پاشیدن آب بر گربه باعث زگیل در دست میشود	۷
۵/۸	۱۵/۸	۶۷/۵	۱/۳۱	اگر چیزی در گلو گیر کند میهمان می آید یا سوغاتی برایت می آورد	۸
۳۱/۷	۳۵/۵	۱۶/۷	۲/۱۸	اسپند دود کردن برای جلوگیری از چشم زخم	۹
۱۸/۳	۲۵	۴۵	۱/۷۰	خوردن ته دیگ توسط عروس و داماد باعث باران در شب میشود	۱۰

بخش دوم سوالات

جدول فراوانی				میانگین	
قطعا واقعبیت دارد	شاید داشته باشد	قطعا واقعبیت ندارد	Mean rank	خرافه مورد سنجش	ردیف
۳/۳	۹/۲	۷۸/۳	۱/۱۸	فال گیران	۱
۲/۵	۱۹/۲	۶۳/۳	۱/۵۰	طالع بینها	۲
۴/۲	۱۵/۸	۶۱/۷	۱/۸۴	درمان کننده های بیماریهای ناعلاج	۳
۵	۱۰/۸	۶۸/۳	۱/۹۴	افسونگران	۴
۴/۲	۱۵	۶۵	۱/۴۲	احضار کنندگان ارواح و اجنه	۵
۰	۶/۷	۷۵/۸	۱/۹۵	کف بینها	۶

بخش سوم سوالات

جدول فراوانی				میانگین	
قطعا واقعبیت دارد	شاید داشته باشد	قطعا واقعبیت ندارد	Mean rank	خرافه مورد سنجش	ردیف
۳/۳	۲۰/۸	۷۵/۸	۱/۲۸	عدد ۱۳ نحس است	۱
۲۷/۵	۴۵	۲۵/۸	-۰.۲ فیفریبه	خوش شانس و بدشانسی	۲
۲/۵	۱۲/۵	۸۳/۳	۱/۱۸	زدن ناخنها باعث دعوا میشود	۳
-	۲۸/۳	۷۰	۱/۲۹	اگر کفشها روی هم قرار بگیرند فرد به مسافرت خواهد رفت	۴
۶/۷	۶/۷	۸۱/۷	۱/۳۰	حضور دختر دم بخت بر سر سفره عقد دختر دیگر نحس است	۵
۱۲/۵	۳۵/۸	۴۶/۷	۱/۶۴	افتادن قند در چایی باعث آمدن میهمان میشود	۶
۰/۸	۱۹/۲	۷۷/۵	۱/۲۱	سوت زدن در شب بد یمن است	۷
۹/۲	۲۸/۳	۶۰/۸	۱/۴۷	اگر تیغه های قیچی را به هم بزنند حتماً دعوا میشود	۸
۴/۲	۱۵/۸	۷۸/۳	۱/۲۵	اگر سر بینی بخارد احتمالاً به میهمانی	۹

				خواهید رفت	
۵/۸	۲۷/۵	۷۳/۳	۱/۲۸	حمام کردن در بعضی روزها بد یمن است	۱۰
۵/۸	۲۷/۵	۶۴/۲	۱/۴۰	بعضی از رنگها نجس است	۱۱
۱۳/۳	۲۷/۵	۵۷/۵	۱/۵۵	خاریدن کف دست نشانه پولدار شدن فرد است	۱۲
۶/۷	۲۰	۶۹/۹	۱/۳۵	ردیف شدن استکانها پشت سر هم نشانه آمدن مهمان است	۱۳
۳/۳	۳۰	۶۵	۱/۳۷	موها را نباید در شب شانه کرد	۱۴
۱۵/۸	۲۲/۵	۵۸/۳	۱/۵۶	نگهداری جغد در خانه نشانه شوم بودن آن است	۱۵
۴/۲	۲۳/۲۰	۶۹/۲	۱/۳۳	خوردن پیاز خام در روز جمعه خوب نیست	۱۶
۶/۷	۲۱/۷	۷۰	۱/۳۶	پاشیدن نمک در کفش میهمانی که میخواید زود رود	۱۷
-	۲۱/۷	۷۶/۷	۱/۲۲	نگاه کردن به آینه در شب بد یمن است	۱۸
۱۵	۲۷/۵	۵۴/۲	۱/۵۹	لقمه غذا اگر در گلوی فرد گیر کند یکی از اعضای خانواده گرسنه است	۱۹
۴/۲	۱۸/۳	۷۵/۸	۱/۲۷	اگر تفاله چایی روی چایی بیاید نشانه آمدن مهمان است	۲۰
۱۱/۷	۱۲/۵	۷۲/۵	۱/۳۷	لکه سفید روی ناخن نشانه خوشبختی است	۲۱
۱۸/۳	۳۵/۸	۴۲/۵	۱/۷۵	اگر شخص فوت شده در خواب به شما چیزی بدهد طلب خیر است	۲۲
۱۳/۳	۳۰	۵۱/۷	۱/۶۰	اگر شخص فوت شده در خواب چیزی از شما بگیرد لز بین فامیل میمیرد	۲۳
۶/۷	۳۰	۶۱/۷	۱/۴۴	زنی که تازه بچه به دنیا آورده نباید تنها بماند زیرا آل سراغش می رود	۲۴
۱۳/۳	۲۰/۸	۶۴	۱/۴۸	وصل کردن سنجاق برای محافظت از جن زدگی	۲۵
۸/۳	۲۹/۲	۶۰/۸	۱/۴۷	وقتی پسری سر سفره غذا می رسد، مادر زن دوستش دارد	۲۶
۴/۲	۲۲/۵	۷۰/۸	۱/۳۲	بچه ای که زیاد گریه می کند خوش آواز می شود	۲۷

۸/۳	۳۴/۲	۵۳/۳	۱/۵۳	نقلی که بر سر عروس و داماد شاباش می‌کنند هرکس بردارد و بخورد گشایش کارش می‌شود	۲۸
۴/۲	۴۱/۷	۵۱/۷	۱/۵۱	ناخن‌های کوتاه شده‌ات را روز زمین نریز فقر می‌آورد	۲۹
۷/۵	۳۱/۷	۵۸/۳	۱/۴۸	اگر می‌خواهی بختت باز شود جای عروس بشین	۳۰
۶/۷	۲۵/۸	۴۲/۵	۱/۴۱	در هنگام تعریف و تمجید دیگران برای جلوگیری از چشم زخم روی تخته زدن	۳۱
۷/۵	۳۷/۵	۴۴/۲	۱/۵۹	بستن دخیل به بارگاه امامان (ع) باعث برآورده شدن حاجات می‌شود	۳۲
۴/۲	۳۵/۸	۵۸/۳	۱/۴۵	دخیل بستن به بعضی درختان مایه برآوردن حاجات می‌شود	۳۳
۵	۳۰	۶۲/۵	۱/۴۱	جارو کردن در شب باعث از بین رفتن خیر و برکت می‌شود	۳۴
۹/۲	۳۸/۳	۵۰	۱/۵۸	مالیدن خون قربانی به خودرو و ساختمان	۳۵
۵	۳۱/۷	۶۱/۷	۱/۴۲	عبور از بین سر و بدن قربانی پس از ذبح	۳۶
۱۳/۳	۳۹/۲	۴۵/۸	۱/۶۷	کوبیدن درب هفت مسجد در اول ربیع الاول قبل از نماز صبح	۳۷
۲۰	۲۰	۶۸/۳	۱/۴۱	شب جوراب بالای سر باشد، خواب آشفته می‌بیند	۳۸
۷/۵	۴۱/۷	۴۹/۲	۱/۵۸	شنیدن قارقار کلاغ باعث بدشانسی و یا آمدن مهمان است	۳۹
۶/۷	۳۳/۳	۵۸/۳	۱/۴۷	دیدن گربه سیاه در صبح بدیمن است	۴۰
۱۰	۲۹/۲	۵۹/۲	۱/۵۰	اگر در روز اول سال نو لباس جدید به تن نداشته باشد تا آخر سال بدستی می‌آورد	۴۱
۲۵	۳۰/۸	۴۰/۸	۱/۸۴	اعتقاد به نصیب و قسمت	۴۲

یافته‌های تحقیق

در تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها که با استفاده از نرم افزار SPSS صورت پذیرفت، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مشخص گردید که جامعه ما در هر سه نوع سؤالات غیرنرمال می‌باشد با توجه به این که آلفای کرونباخ (۰/۰۵) بزرگتر از sig (۰/۰۰۰) می‌باشد و همچنین پس از بررسی و پرسشنامه‌ها درصدهای ذیل مشخص گردیدند:

همچنین درصد فراوانی جواب دهی پاسخگویان بدین شرح است (جدول شماره ۱) پس از تفسیر نتایج بدست آمده از مقادیر جداول ۱ مشخص گردید که این باورها در حالت وسط میان واقعیت داشتن و نداشتن است.

پس از تحقیق و تفسیر جدول شماره ۲ در مورد این سؤال که توانایی افراد مذکور تا چه حد با واقعیات منطبق می‌باشد، بیشتر دانشجویان معتقد بودند که توانایی آن افراد منطبق با واقعیت نیست.

همچنین، پس از تحقیق و تفسیر در جدول شماره ۳ مشخص گردید که از ۴۲ باور دانشجویان اکثر آن‌ها بر این باورند که: که تنها اعتقاد به خوش‌شانسی و بدشانسی است که بر گزینه‌های دیگر برتری داشته و گزینه‌های دیگر در اعتقادات مطرح شده در این بخش، گزینه قطعاً واقعیت ندارد، بیشترین آمار را دارد و این نشانگر این است که غالب دانشجویان به این خرافات اعتقادی ندارند.

همچنین، با توجه به این که K جامعه مستقل داریم و همچنین توزیع آنها نرمال نیست از روش کروسکال والیس استفاده می‌نماییم که فرضیه H_0 بدین ترتیب است که میانگین k جامعه با هم برابرند و فرضیه H_1 نیز این است که اعدادی وجود دارد بین میانگین‌ها که حداقل دو میانگین با هم برابرند پس از بررسی مشخص گردید چون sig (۰/۷۳) بزرگتر از آلفا (۰/۰۵) گردید پس بعضی از میانگین‌ها با هم برابرند

مثل داشتن نمک با خود و غذا گیرکردن در گلو در دانشجویان کاردانی ($۳۲/۵۰$) در قسمت دوم نیز مانند قسمت قبلی است sig ($۰/۰۰۷$) مانند اعتقاد به درمان کنندگان و افسونگران در دانشجویان کارشناسی ($۳۶/۲۹$) در قسمت سوم نیز مانند قسمت قبلی است sig ($۰/۴۴$) مانند حضور دختران نیمه بخت در سفره عقد و زدن ناخن‌ها در دانشجویان کاردانی (۳۹) همچن چون توزیع جامعه ما نرمال نیست ما از همبستگی اسپیرمن استفاده می‌نماییم.

یکی دیگر از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر میزان گرایش به خرافات، تحصیلات پاسخگویان است؛ به طوری که احتمال می‌رفت با افزایش میزان تحصیلات، میزان خرافه‌گرایی کاهش پیدا کند (رابطه معکوس) نتایج حاصل از این تحقیق نیز دقیقاً این ارتباط معکوس را اثبات می‌نماید. ضریب همبستگی بین این دو متغیر $۰/۰۳$ - نشان می‌دهد: اولاً رابطه/ ضریب همبستگی بین این دو متغیر متوسطی بین دو متغیر وجود دارد، ثانیاً جهت این رابطه نیز معکوس است و به میزانی که تحصیلات فرد افزایش پیدا می‌کند، میزان گرایش به خرافات در دانشجوی، کاسته می‌شود.

همچنین، رابطه میزان جنسیت بر میزان گرایش به خرافات $۳۹/۲$ از جامعه پرسشنامه آماری ما را مردان و $۴۷/۵$ را زنان تشکیل می‌دهند همچنین میانگین جامعه $۱/۵۵$ است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که تعداد زنان بیشتر از مردان می‌باشد همچنین آمار نشان می‌دهد خرافات در بین زنان $۴۹/۶۴$ درصد و $۴۳/۳۶$ درصد میان مردان است. و این مسئله نشانگر گرایش بیشتر دانشجویان زن به باورهای خرافی نسبت به دانشجوی مرد است.

بحث و نتیجه‌گیری

باورهای بسیاری در فرهنگ عمومی وجود دارد که از دیرباز تاکنون توسط افراد بسیاری مورد پذیرش یا عمل قرار گرفته است. باورهایی که نسبت سنت و رسم دادن به آن بر ماهیت قضیه و خرافی بودن آن تغییری ایجاد نمی‌کند.

باید اعتراف کرد حتی انسان‌های مدرن نیز عملاً نمی‌توانند خرافات را رد کنند و یا از آن خلاص شوند و بدون شک مبارزه با این باورها کاری بس دشوار است، زیرا برخی از خرافات چنان با فرهنگ مردمی آمیخته شده جزئی از آن شده و مقابله و رودر رویی با آن سال‌ها به طول می‌انجامد. اعتقادات خرافی نه تنها مشکلی را رفع نمی‌کنند، بلکه باور و عمل به آن روز به روز بر مشکلات مختلف می‌افزاید و قوای فکری جامعه را تحلیل می‌دهد و در نهایت آن جامعه را از ترقی و پیشرفت همه جانبه باز می‌دارد.

اما گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه منجر به کاهش اعتقاد خرافی می‌شود، به همین دلیل است که افزایش میزان تحصیلات یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین راه‌های مبارزه با خرافات است. یکی دیگر از بهترین شیوه‌ها برای مبارزه با خرافات این است که به افراد بگوییم مسائل مختلف را خود مورد آزمایش قرار دهند. به‌عنوان مثال، بعد از عطسه کردن، از انجام کار خود منصرف نشوند و نتیجه را بسنجند. البته چنین اموری را باید بیش از یک بار مورد امتحان قرار گیرد؛ زیرا ممکن است در بار اول، نتیجه همان چیزی شود که معتقدان به خرافات می‌گویند. می‌توان حدس زد این پیشنهاد چندان مورد استقبال مردم قرار نگیرد، زیرا عده‌ای به صبر کردن در هنگام عطسه باور دارند و تصور وقوع پیامدهای احتمالی ناگوار آن، حتی برای یک بار نیز برایشان بسی دشوار می‌نماید. بنابراین، ریسک نخواهند کرد. اما اگر فرد مشاهده کند با صبر نکردن دیگر افراد جامعه در هنگام عطسه، مشکلی برای

آنها پیش نمی‌آید و این امر تکرار شود، آسان‌تر و راحت‌تر از اعتقاد خود دست بر خواهند داشت.

در این پژوهش، میزان گرایش به خرافات کم‌تر از متوسط مور نظر بوده است. به دیگر سخن، اگرچه کم و بیش درصدی از نمونه مورد مطالعه به هرکدام از خرافات معرفی شده گرایش داشتند و در باورها و رفتارهای آنان جایگاه ویژه داشته است، اما در مجموع، میزان گرایش به خرافات نمونه مورد مطالعه کمتر از متوسط است.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، نتایج آماری این پژوهش تا حدود بسیاری مشابه تحقیقاتی است که میزان گرایش دانشجویان و حتی مردم سطح شهر به خرافات را انجام داده‌اند، مانند ارتباط میزان تحصیلات، سن افراد و جنسیت که همگی نتایج تقریباً یکسانی داشتند.

پیشنهاد می‌شود تحقیقات گسترده‌تر بر روی دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها و یا عموم مردم صورت پذیرد و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه گردد.

منابع

- امام شوشتری، محمدعلی (۱۳۴۷)، فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی، تهران: چاپخانه بهمن،
- پاکدامن، محمدحسین (۱۳۷۸)، جامعه در قبال خرافات، مشهد: انتشارات مرندیز،
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۵۴)، جامعه شناسی عوام، اصفهان: چاپخانه ربانی.
- جهانشاهی افشار علی، شمس الدینی مطلق محمد حسین، ریشه های خرافات و کارکرد آن ها در فرهنگ مردم (باورهای مردم کرمان)، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامع، سال ۲، شماره ۳، بهار و تابستان ۹۳
- خاشعی، رضا (۱۳۷۹)، پدیدارشناسی خرافات در ایران. روزنامه همشهری.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، لغت‌نامه، تهران: سازمان لغت‌نامه.
- رضاقلی، علی (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی نخبه کشی: قائم مقام، امیرکبیر و مصدق، تهران، نشرنی.

- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۵)، دایره المعارف نو، تهران: انتشارات علمی.
- شریفی، امیر حسین، عقل از دیدگاه اخباریان شیعه، فصلنامه شیعه شناسی، ش ۶
- شعیبی، فاطمه (۱۳۹۲). روان شناسی خرافات. تهران: انتشارات الکترونیکی.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- صالح امیری، رضا (۱۳۸۷)، خرافه گرایی چرایی، چیستی و کارکردها (پژوهشنامه ۲۳)، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- صرفی، محمد رضا (۱۳۹۱)، باورهای مردم کرمان. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان
- موسی پور، ابراهیم (۱۳۹۰). خرافات (دانشنامه جهان اسلام). ج ۱۵. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. صص ۳۳۸-۳۴۳.
- فروغی علی، عسگری مقدم رضا، بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی، فصلنامه راهبرد/ سال هجدهم/ شماره ۵۳ زمستان ۱۳۸۸ صص ۱۶۱.
- علوی نژاد، حیدر: قرآن و خرافه گرایی: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷ - ۳۸، ۱۳۹۱.
- محمد، حسن، (۱۳۶۵) فرهنگ عمید: شامل واژه‌های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی، تهران انتشارات امیرکبیر.
- وارینگ، فیلیپ (۱۳۷۱)، فرهنگ خرافات، ترجمه احمد حجاران، تهران: نشر ویس.
- هدایت، صادق (۱۳۱۲)، نیرنگستان، تهران: انتشارات جاویدان.
- هدایت، صادق (۱۳۸۱)، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: نشر سرچشمه.

Abbott, Kevin R & Sherratt, Thomas N. (2011). »The evolution of superstition through optimal use of incomplete information«. *Animal Behaviour* 82. pp. 85-92.

Bukhari.SS, Pardhan A, Khan AS, Ahmed A, Choudry FJ, Pardhan K, Nayeem K, Khan M.(2002). Superstitions Regarding Health Problems in Different Ethnic Karachi. *Faculty of Health Sciences, Baqai Groups in Medical University, Karachi.*

Foster, Kevin R. & Hanna, Kakka (2009). »The evolution of superstitious and superstition-like Behavior«. *Proc. R. Soc.* 276. pp. 31-37.

Inkeles, A. Making men modern. *American Journal of Sociolog.* No 75, 1969.

Thalbourne, M. A., & Hensley, J. H.(2001). Religiosity and Belief in The Paranormal. *Journal of the Society for Psychica Research*, 65, 47-50.
Sharper knowlsen.(2001). Superstitiousness and Perceived Anxiety Control as Predictors of Psychological D.

